

راهنمای سیاستگذاری نماینده دادستان - مقدمه

تاریخ اجرا:

1 مارس 2018

اهداف

وجود پیگردهای قانونی مستقل، عادلانه و مؤثر لازمه‌ی حکومت قانون است. دستگاه قضایی به پشتوانه‌ی دستورالعمل‌های سیاستگذاری که به خوبی تدوین شده‌اند، نماینده‌ی دادستان را در تصمیم‌های دشواری که باید به نفع عموم بگیرد یاری می‌رساند.

راهنمای سیاستگذاری نماینده دادستان، هم رهنمون‌های کلی و هم رهنمون‌های مختص هر موقعیت را به نماینده‌ی دادستان برای انجام وظیفه‌اش ارائه می‌دهد. این وظیفه‌ها شامل رسیدگی به پیگردهای قانونی مقدماتی مانند بررسی اتهام، اقدامات جایگزین و بحث در مورد حل و فصل می‌شوند.

این سیاستگذاری‌ها اسناد عمومی هستند. انتشار آنها تحقق هدف شفاف‌سازی را نزدیک تر می‌کند. این امر کمک می‌کند توضیح دهیم که خدمات دادستانی چگونه انجام می‌شود و دادستان‌ها چگونه استقلال قضایی مبتنی بر قانون اساسی خود را در جهت تأمین منافع عمومی در پرونده‌های شخصی به کار می‌بندند.

راهنمای سیاستگذاری نماینده دادستان در مقام قانون نیست. این راهنمای سیاستگذاری به هیچ عنوان نمی‌تواند جایگزین *قانون کیفری*، منشور حقوق و آزادی‌های کانادا یا هر قانون کاربردی دیگر شود. هدف از انتشار این راهنما این نیست که به عموم توصیه‌های حقوقی ارائه نماید یا هیچ‌گونه حق قانونی قابل اجرایی را در دادرسی‌های قضایی به وجود آورد.

معنی اصطلاحات

خدمات دادستانی بی‌سی شعبه‌ی عدالت کیفری وزارت دادستانی کل است (که به اختصار "شعبه" نیز خوانده می‌شود). این دو اصطلاح در خلال متن راهنمای سیاستگذاری نماینده دادستان به یک معنی به کار برده می‌شوند. افزون بر این، هر جا که در این راهنما از سیاستگذاری صحبت می‌شود منظور سیاستگذاری خدمات دادستانی بی‌سی می‌باشد، مگر آنکه به طور مشخص خلاف آن گفته شود.

در راهنمای سیاستگذاری نماینده دادستان، تمایز مهمی میان "معمولاً باید" و "می‌بایست" وجود دارد.

"نماینده‌ی دادستان معمولاً باید" به این معناست که نماینده‌ی دادستان معمولاً از رهنمون‌های سیاستگذاری تبعیت می‌کند مگر اینکه تشخیص دهد که برای برقراری عدالت لازم است تصمیمی بر خلاف رهنمون‌های سیاستگذاری اتخاذ کرد.

"نماینده‌ی دادستان می‌بایست" بیان‌کننده‌ی دستوری از دستیار معاون دادستان کل طبق بخش ۴(۳) از قانون نماینده‌ی دادستان است.

بینش، رسالت، و ارزش‌ها

بینش، رسالت و ارزش‌های شعبه در تشکیل و تفسیر سیاستگذاری شعبه نقشی محوری دارند، و زیربنایی فراهم می‌کنند که تمام اعضای شعبه را در انجام وظایف و مسئولیت‌هایشان راهنمایی می‌کند.

مأموریت شعبه

طبق قانون نماینده‌ی دادستان آر.اس.بی.سی. 1996 فصل 87، شعبه موظف است آن دسته از پیگردها و استینافهای جنایی و نظارتی را که در صلاحیت قضایی دولت فدرال کانادا نیستند، به نمایندگی از دادستان، تصویب و اجرا کند. شعبه توسط دستیار معاون دادستان کل اداره می‌شود، که طبق بخش 3(2) به عنوان معاون قانونی دادستان کل در زمینه‌ی **قانون کیفری** تعیین شده است. دستیار معاون دادستان کل هم به نوبه‌ی خود، نماینده‌ی دادستان، دادستان موردی در پرونده‌های خاص، و دادستان‌های ویژه را تعیین و منصوب می‌نماید تا از طرف دادستان پیگردها و استینافها را تصویب و اجرا کنند.

قانون نماینده‌ی دادستان رابطه‌ی میان شعبه و دولت را از طریق دادستانی کل کنترل کرده و به شعبه در انجام وظایفش استقلال قابل توجهی می‌بخشد. بر طبق این قانون لازم است تمام دستورات دادستان کل چه در مورد سیاستگذاری شعبه و چه در مورد پیگردهای مشخص، به صورت کتبی باشند و بتوان آنها را در روزنامه‌ی رسمی بریتیش کلمبیا منتشر کرد. به این ترتیب، این قانون بین استقلال شعبه و پاسخگو بودن آن تعادل برقرار می‌نماید.

نقش نماینده‌ی دادستان

نماینده‌ی دادستان توسط دادگاه‌ها "مجریان عدالت" خوانده شده‌اند. عملکرد آنان را "شبه-قضایی" توصیف نموده‌اند. نماینده‌ی دادستان باید از اختیارات خود منصفانه، بی طرفانه، با حسن نیت و با توجه به بالاترین استانداردهای اخلاقی استفاده کند. ملاحظات سیاسی، شخصی و خصوصی نباید در شیوه‌ی دادرسی دادستان‌ها تأثیری داشته باشد. نقش و عملکرد نماینده‌ی دادستان در سیستم قضایی ما در دادگاه‌ها به صورت زیر تعریف شده است:

نقش دادستان و رای هرگونه مفهومی از بردن یا باختن است؛ نقش او اجرای یک وظیفه‌ی عمومی است که در زندگی شهروندی هیچ مسئولیت شخصی بزرگتری نمی‌توان به کسی واگذار نمود. این وظایف را می‌بایست به شکلی کارآمد و با حس عمیقی از کرامت، جدیت و حقانیت دادرسی‌های قضایی به انجام رساند.
(R v Boucher (1954), 110 CCC 263 (SCC) at 270, Rand J.)

نقش وکیل دادستان در اجرای قانون اهمیت بالایی نزد دادگاه‌ها و جامعه دارد. نماینده‌ی دادستان باید شجاعانه در مقابل تهدیدات و تلاش‌ها برای اربابش به انجام وظیفه بپردازد ... نماینده‌ی دادستان باید نماد انصاف باشد، در افشای اطلاعات لحظه‌ای درنگ نکند و در عین حال در تأمین رفاه و ایمنی شاهدان دقیق باشد. دادگاه‌ها از نمایندگان دادستان انتظارات زیادی دارند. جامعه، نمایندگان دادستان را نماد قدرت و نماینده‌ی خود در پرونده‌های کیفری می‌داند ... عموم مردم و دادگاه‌ها اعتماد زیادی به نمایندگان دادستان دارند.
(R v Logiacco (1984), 11 CCC (3d) 374 (Ont CA), per Cory JA)

حکومت قانون

شعبه برای انجام خدمات پیگرد تحت حکومت قانون و متعهد به اجرای آن است. حکومت قانون فرض می‌کند، و در حقیقت بر اساس قانون اساسی الزام می‌کند که قضات و هیئت‌های منصفه در پرونده‌های قضایی شواهد ارائه شده، از جمله اظهارات شاهدان را با بی‌طرفی بررسی کنند، و نیز اینکه تمام افراد نزد قانون برابرند. نماینده‌ی دادستان برای اجرای نقش خود به عنوان مجریان شبه-قضایی عدالت، موظف است که از این اصول آگاه باشد و آنها را محترم بشمارد و بدون جانبداری، تعصب یا سودجویی آنها را اعمال نماید. نماینده‌ی دادستان قوت هر پرونده را با این فرض بررسی می‌کند که قاضی یا قاضی و هیئت منصفه هم با توجه به همین اصول عمل خواهند کرد.

ایجاد تعادل میان سیاستگذاری و اختیارات دادستانی

هدف اولیه‌ی سیاستگذاری آن است که نماینده‌ی دادستان را در تصمیم‌گیری در مورد مسائل اساسی یاری دهد. برخی سیاستگذاری‌ها ملاحظات مقتضی در مورد منافع عموم را در نظر می‌گیرند و چارچوبی برای استفاده از اختیارات ارائه می‌دهند. نماینده‌ی دادستان می‌تواند در صورت نیاز درخواست مشاوره و موافقت نماید. سیاستگذاری‌ها همچنین بازتابنده‌ی مجموعه قوانینی هستند که بر حدود و نحوه‌ی صحیح اجرای اختیارات دادستانی نظارت دارد.

حتی نماینده‌ی دادستان بسیار باسابقه هم از همکاران خود مشورت می‌گیرد و هر جا که سیاستگذاری الزام کند از ناظران خود درخواست تأیید می‌کند. چشم‌انداز حقوقی همیشه در حال تغییر و تحول است: قانون‌گذاری و قوانین در موضوعات مشخص، فناوری و احکام دادگاه و رویه‌های دادرسی. مراجعه به سیاستگذاری‌ها مشخصاً در زمینه‌های ناآشنای دادرسی و اجرای آنها مفید خواهد بود.

اختیارات دادستانی مبتنی بر قانون اساسی و زمینه‌ای تاریخی هستند. از این اختیارات تنها در چارچوب سنت‌های حقوقی و فلسفه‌ی حقوق ما استفاده می‌شود. نماینده‌ی دادستان به عنوان مأمور منصوب شده توسط دادستان کل، در سیستم قضایی بزرگتری خدمت رسانی می‌کند و تخصصش را در محدوده‌ی پیشینه‌ای که طی قرن‌ها فلسفه‌ی حقوقی به دست آمده اعمال می‌کند.

در نهایت مسئولیت تمام پیگردها در استان بر عهده‌ی دادستان کل می‌باشد و باید نقش خود را قانوناً به صورت مستقل و عادلانه ایفا نماید. دادستانی کل این وظیفه را به نماینده‌ی دادستان می‌سپارد تا پیگرد قانونی را از طرف او انجام دهد. دادستانی کل این عملکرد را نظارت کرده و در نهایت برای تمامی موارد استفاده از قدرت دادستانی، در برابر قانون مسئول است.

نماینده‌ی دادستان مستقل است، به این معنی که او از همان میزان اختیارات مستقلی برخوردار است که به دادستان کل اعطا شده است. با این حال، نماینده‌ی دادستان، به عنوان مأمور دادستان، نمی‌تواند با اجرای اختیارات خود، دادستان کل را به طور فسخ‌ناپذیر به امری متعهد نماید.

این سیاستگذاری به منظور پاسخگوبودن در برابر دادستان کل و استفاده‌ی اصولی و یکنواخت از اختیارات دادستانی تدوین شده است. هدف نهایی آن ارتقای اعتماد عمومی به سیستم قضایی است.

از طرف دیگر، استفاده‌ی صحیح از اختیارات دادستانی، اعمال بی‌چون و چرای این سیاستگذاری را در تک‌تک تصمیم‌گیری‌ها الزام نکرده و از آن پشتیبانی هم نمی‌کند. این سیاستگذاری رهنمون ارائه می‌کند اما نه می‌تواند و نه بایسته است که نتیجه‌ی تک‌تک پرونده‌ها را تعیین نماید. نماینده‌ی دادستان باید متناسب با شرایط منحصر به فرد هر پرونده تصمیم‌گیری کند.

سیاستگذاری‌ها ممکن است الزام کنند که به منافع عمومی مشخصی توجه شود یا اعضای با سابقه‌ی شعبه مورد مشورت قرار بگیرند و در موقعیت‌های مناسب تصمیم‌ها را به تأیید برسانند. با این حال، توصیه نمی‌شود که این سیاستگذاری استفاده از اختیارات دادستانی را به طور کامل محدود کند. حفظ استقلال مجری قانون بسیار با اهمیت است. به همین دلیل، تعداد بسیار اندکی از سیاستگذاری‌ها حاوی دستورالعمل الزام آور هستند. آن دسته از سیاستها هم، راهی برای توجه به عوامل غیر معمول گذاشته‌اند تا اطمینان حاصل شود که در استفاده از اختیارات، تمام عوامل مؤثر در یک پرونده مشخص در نظر گرفته شده‌اند. حتی زمانی که سیاستگذاری‌ها از تصمیمی پشتیبانی نمی‌کنند، نماینده‌ی دادستان می‌تواند در صورت نیاز برای اطمینان از منصفانه بودن نتایج، برای استفاده از اختیارات دادستانی، از دستیار معاون دادستان کل مجوز بخواهد تا بر طبق سیاستگذاری عمل نکند.